

ستون اول

منصور حکمت

اگر حق انتخاب شاخص دموکراسی باشد، مردم روسیه یکی از دموکراتیک ترین دوره‌های زندگی خود را می‌گذرانند. لیست رشک برانگیزی از آینده‌ها جلوی آنها گرفته شده: از جنگ داخلی طبق الگوی یوگوسلاوی تا دموکراسی با مشت آهنین به سیاق شیلی پینوشه، از جامعه خاکستری و اقتصاد راکد دولتی مدافعان وضع سابق، تا دنیای پر زرق و برق بازار آزاد که فعلا اولین محصولاتش را بصورت فقر و بیخانمانی و میدان‌داری مافیای روسی ببار آورده است. کارگر روسی میتواند انتخاب کند که توسط کدام جناح، چگونه و به چه اسمی مزدش را بزنند، دهانش را ببندند، به جنگش ببرند، بیکار و تحقیرش کنند. همراه رئیس جمهور و بنام دموکراسی، حتی اگر در قدم اول مستلزم کودتا و سلب حقوق مدنی از مردم باشد، همراه اکثریت کنگره و بنام تامین اجتماعی و کنترل قیمت‌ها، حتی اگر این کلمه اسم رمزی برای بازگشت به نظامی باشد که اوضاع امروز خود نتیجه بن بست تاریخی آن است، و یا همراه ناسیونالیسم افراطی و کشی‌های از قفس گریخته و بنام عظمت روسیه، حتی اگر، به شهادت همین اروپای معاصر، محصول این جریان‌ات خونریزی و خانه خرابی در مقیاس

توده‌های و حقارت مردم روسیه باشد.

انتخاب بین بد و بدتر، انتخاب شر کمتر، یکی از مکانیسم‌های اصلی حرکت سیاسی توده مردم در جامعه بورژوایی است. این سهم آنها از آزادی است که در این جامعه بعنوان "واقع بینی" از آن تجلیل میشود. اما، جدال قدرت میان یلتسین و کنگره نشان میدهد که راه واقعی رهایی، مانند همیشه، تسلیم نشدن به این انتخاب است. اوضاع وخیم اقتصادی مردم روسیه، آنها را علیرغم تبلیغات کرکننده رسانه های غربی و وعده های کمک مالی، از یلتسین و سیاستها و افق نفرت آورش دور میکند. اما آلترناتیو جناح مخالف یلتسین در هیات حاکمه چیز بهتری در بر ندارد. انتخاب بین اینها برای کارگر و شهروند زحمتکش روسی یک اشتباه مهلک خواهد بود. آزادی و برابری و رفاه اجتماعی، و در مورد مشخص روسیه حتی اجتناب از جنگی که از پس این جدالها همه را تهدید میکند، در گرو استقلال سیاسی و عملی طبقه کارگر روسیه است